

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

حزب کار ایران (توفان)

۰۵ نومبر ۲۰۱۶

حزب توده ایران دارای دو دوره متفاوت تاریخی است از میراث انقلابی آن دفاع کنیم

دهم مهرماه [میزان] ۱۳۲۰ روز بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب تراز نوین طبقه کارگر ایران در ۷۵ سال پیش است. در این روز کمونیستهای ایران که در درون حزب کمونیست ایران، و گروه ۵۳ نفر فعالیت می کردند از اسارت بیغوله‌های رضا شاهی آزاد شده و همراه با جنبش جهانی انقلابی- ضد فاشیستی به ضد بهیمیت فاشیسم، به ضد امپریالیسم و در دفاع از جنبش جهانی کمونیستی به بنای سازمان مستقل سیاسی طبقه کارگر ایران برای حمایت از طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، همت گماردند تا کار مبارزه برای کسب استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران، حمایت از خواستهای طبقه کارگر و زحمتکشان و مطالبات دموکراتیک خلقهای ایران را ... به پیش برند. در مدت کوتاهی این حزب قادر شد، طبقه کارگر ایران را بسیج کند و اعتماد وی را به دست آورد و این طبقه انقلابی را برای نیل به ایرانی آزاد، مستقل و سوسیالیستی رهبری نماید. حزب توده ایران بخشی از جنبش کمونیستی جهانی و پیرو اندیشه انترناسیونالیسم پرولتاری بود. حزب توده ایران به مثابه بزرگترین سازمان سیاسی در تاریخ ایران، موفق شد بزرگترین تشکل کارگری را در ایران به وجود آورد و روشنفکران مترقی ایران را به خود جلب کند و تحولی از نظر فکری و فرهنگی در عرصه ایران عقب مانده ایجاد نماید، که انوار گرم آن چون خط سرخی در تمام تاریخ ایران تا به امروز تابان است. حزب توده ایران نماینده اندیشه های مدرن و مترقی در ایران بود، در ایران مذهبی و رجال سنتی عقب مانده، جسورانه برای تساوی حقوق اجتماعی زنان با مردان به مبارزه برخاست و زنان را به عرصه مبارزه اجتماعی کشانید و این در حالی بود که سایر نیروهای سیاسی به اسارت زنان صحنه می گذاردند و یا از ترس مراجع مذهبی در مورد این تساوی حقوق سکوت می کردند. حزب توده ایران دروازه های ایران را بر روی ادبیات و فرهنگ مترقی جهان باز کرد و نسلی را در عرصه هنری و فرهنگی پرورش داد که تأثیرات عظیم آن تا به امروز در هر خانه ای حس می شود. حزب توده ایران چند صد هزار کارگر ایران را در اتحادیه های کارگری متشکل نمود که ستون فقرات یک جامعه دموکراتیک و ضد امپریالیستی بودند. آنها از طریق حزب توده ایران به حقوق صنفی و سیاسی خویش پی بردند و به یک طبقه برای خود بدل شدند. آنها بر پرچم خود نوشتند: "کارگران ایران مؤثرترین نیروی مبارزه در راه

تأمین استقلال اقتصادی کشور ماست" و یا "ملت ایران خواهان آنست که دولت در برابر تهدیدات امپریالیسم متحد، ضعف نشان ندهد." و یا "به کارگران خوزستان آزادی دهید تا دزدان دریانی را به دریا بریزند" و...

حزب توده ایران از آرمانهای کمونیسم حمایت می کرد و بسیاری از اعضای قهرمانش نظیر آرسن آوانسیان، وارطان سالاخانیان، کوچک شوشتری، سرهنگ عزت الله سیامک، سرهنگ محمد علی میشری، عباس افراخته، منوچهر مختاری گلپایگانی، ارسطو سروشیان، هوشنگ انوشه و... در راه آزادی و استقلال ایران، در راه دفاع از کمونیسم جان دادند.

دراثر فعالیت حزب توده ایران سازمانهای صنفی به وجود آمدند و فرهنگ کتابخوانی، و بحث و جلسات فرهنگی و هنری در تمام عرصه های جامعه ایران توسعه پیدا کرد. حزب توده ایران مبتکر سواد آموزی در ایران بود و کلاسهای اکابر برقرار کرد تا مردم بتوانند با آموزش زبان فارسی اسناد حزبی و نشریات تبلیغاتی حزب را مطالعه کنند. حزب توده ایران برای نخستین بار به خواستهای دهقانان که بیش از نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دادند، توجه کرد و فئودالیسم را به باد نقد گرفت و از جنبش ملی و دموکراتیک آذربایجان که حل مسأله ارضی را در دستور کار خود قرار داده و زمینهای فئودالها را در اختیار دهقانان قرار داده بود به حمایت برخاست. حزب توده ایران نخستین تشکلی بود که به قرارداد داری و شرکت استعماری نفت ایران و انگلیس که در خوزستان حکومت مستقل خودش را داشت اعتراض کرد و طبقه کارگر ایران را در خوزستان به ضد این استعمارگران بسیج نمود و در ۲۳ تیر [سرطان] ۱۳۲۵ مهر باطله را بر این شرکت زد به طوری که استعمار انگلستان قادر نبود به همان وضع سابق به سرکوب کارگران و غارت منابع ملی ایران بپردازد و ناچار شد با مانوری جدید به میدان آید و به طرح پیشنهاد گس-گلشائیان متوسل شود تا استعمار بریتانیا را در ایران ادامه دهد. این حزب توده ایران بود که با شعار انحرافی استیفای حقوق مردم ایران از شرکت نفت استعماری مبارزه کرد، زیرا برای این شرکت غارتگر هرگز حقوقی قابل نبود و حقی برای آنها به رسمیت نمی شناخت تا با این شعاری که در بطن خویش حقی را هم برای شرکت استعماری نفت به رسمیت می شناخت و می خواست با آنها چانه زنی کند، موافق باشد.

حزب توده ایران نیروی قدرتمند مبارزه برای استقلال ایران و همواره با بسیج طبقه کارگر و روشنفکران، مانع اساسی در راه تحقق دسیسه های امپریالیسم امریکا در ایران بود که می خواست در حمایت ظاهری از قانون ملی کردن صنعت نفت، تنها سهم خویش را از بریتانیای تضعیف شده در جنگ بگیرد و سپس حکومت دکتر مصدق را که سرانجام در مقابله زیاده رویهای امریکا مقاومت می کرد، سرنگون کند. حزب توده ایران تنها تشکل سیاسی ایران بود که دربار را مرکز دسیسه و فساد و توطئه های ضد ملی می دانست و خواهان سرنگونی این رژیم فاسد و دست نشانده بود. کارنامه این حزب مملو از خدمت به ملت ایران و طبقه کارگر ایران است و به همین دلیل نیز دشمنان ایران و دشمنان طبقاتی حزب توده ایران کینه عمیقی از این حزب به دل دارند و با جعل و تحریف در مورد این تاریخ پرافتخار می کوشند تاریخی جعلی برای این حزب بنویسند. بورژوازی امپریالیستی و حتی بورژوازی ملی ایران تمام نتایج عمیق اجتماعی فعالیت حزب توده ایران را از تاریخ ایران حذف می کنند و با پوشاندن نکات منفی فعالیت خویش و پاشاندن زهر اتهام نسبت به سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران، می خواهند برای فعالیتهای خویش سرمایه جمع کنند و آنها را بزرگ جلوه دهند. حزب توده ایران به علت این خدمات ارزنده همواره مورد هجوم ارتجاع ایران قرار داشت و در تمام طول سالهای ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد [اسد] سال ۱۳۳۲ و بعد از کودتا همواره غیرقانونی بود و مورد ضرب و شتم، زندان و تبعید و اعدام قرار می گرفت.

چاقوکشان شمس قنات آبادی روحانی خالدار، چاقوکشان پان ایرانیستها، سومکائی‌ها، آریائی‌ها، حزب اللهی‌های میدان بارفروشان، بسیاری توده ای‌ها را به قتل رساندند. سرلشگر زاهدی وزیر کشور و سرلشگر بقائی وزیر شهربانی دستشان به خون توده ئی‌ها آغشته بود و در حکومت نیز شرکت داشتند. عوامل فراماسیونری نظیر باقر کاظمی، همدستان صدارالاشراف، قوام و سپس حسین علاء نظیر مظفر بقائی، حسین مکی و سایرین در روزنامه شاهد، داد، اقدام و... مرتب به ضد نظریات حزب توده ایران تبلیغ می‌کردند و به فرزندان قهرمان خلق ما لکه اتهام می‌چسباندند. نه عوامفریبی طبقه حاکمه ایران و جاسوسان سرشناس آنها، نه هجوم ایدئولوژیک و تبلیغاتی روحانیت ارتجاعی، نه تبلیغات دست راستی جبهه ملی‌ها، نه زندان، تبعید، شکنجه و اعدام تودمئی‌ها، نتوانست کمر این حزب ترانزویین طبقه کارگر ایران را چه قبل و چه بعد از کودتا بشکند. تمام کسانی که تلاش کردند این کارنامه مثبت و کمونیستی حزب توده ایران را با افسانه هائی نظیر "اپورتونیزم تاریخی حزب توده ایران" به لجن بکشند، خودشان در لجنی که خلق نموده بودند، غرق شدند. تاریخ را نمی‌شود تحریف کرد، زیرا همیشه هستند کسانی که در بدترین شرایط این آتش را شعله‌ور می‌سازند و حفظ می‌کنند. حزبی که در مقابل این همه سختی‌ها مقاومت کرد، افسوس که نتوانست در مقابل غده سرطانی رویزیونیسم مقاومت کند و سرانجام با روی کار آمدن خروشچف در شوروی و برافراشتن پرچم ضد کمونیستی "مبارزه با گیش شخصیت ستالین" به پذیرش خط مشی رویزیونیستی حزب رویزیونیستی اتحاد جماهیر شوروی تن در داد و به منجلا ب رویزیونیسم سقوط کرد.

زمانی که حزب توده ایران مارکسیسم لنینیسم را به دور انداخت و سه اصل مسالمت آمیز خروشچفی را پذیرفت، از دیکتاتوری پرولتاریا رو برتافت و حزب تمام خلق را کعبه آمال خویش کرد و اصلاحات کاسیگین برای به هم زدن نقشه مندی اقتصاد سوسیالیستی را که به نظم زدائی و تمرکز زدائی منجر گشت پذیرفت، دیگر این حزب، حزب کمونیستی نبود. خصوصیت رویزیونیستها این است که در حرف به واژه مارکسیسم لنینیسم می‌آویزند، زیرا بیان عبارات برای بورژوازی ضرری ندارد، در حالی که توسل به این واژه‌ها می‌تواند چهره رویزیونیستها را استتار کند و برای گمراهی و عوامفریبی به کار رود. ولی آنها در عمل همه نظریات رویزیونیستی خروشچف را پذیرفتند و تا به امروز نیز به آن عمل می‌کنند. این حزب رویزیونیستی در بیان تاریخچه خود بر انشعاب در جنبش کمونیستی جهان و در حزب توده ایران سرپوش می‌گذارد، زیرا در غیر این صورت مجبور است اعتراف کند که در این نبرد سهمگین ایدئولوژیک جهانی در کنار خروشچف و فرزندان خلفش نظیر گوربچف و یلتسین ایستاده بوده است. حزب توده دارای دو دوره تاریخی است، دوره ای که انقلابی بود، بر مارکسیسم لنینیسم اتکاء داشت و دوره ای که رویزیونیسم را پذیرفت و به دست دراز شده شوروی‌ها در ایران بدل گشت و نوحه سرای رژیم جمهوری اسلامی گردید.

حزب کار ایران (توفان) که به رهبری رفقاء قاسمی و فروتن و همکاری و حمایت رفقاء عباس سغائی و علی امیرخیزی از درون این مبارزه ایدئولوژیک بیرون آمد، به مارکسیسم لنینیسم وفادار ماند و فروپاشی آتی شوروی رویزیونیستی را پیشگوئی کرد. حال تنها این حزب است که وارث واقعی خدمات ارزنده و در عین حال اشتباهات جنبش کمونیستی ایران در گذشته می‌باشد. حزب رویزیونیستی کنونی که خود را حزب توده ایران می‌نامد کوچکترین خویشاوندی کمونیستی با گذشته پرافتخار این حزب ندارد. ماهیت یک حزب را نه بر اساس ملاکهای غیر مارکسیستی تعلق خاطر، سنت و عادت و دوستی شخصی، توسل به خاطرات و بازار گرمی یا بر اساس اعتقادات لحظه‌ئی مردم، بلکه باید بر اساس ایدئولوژی و مشی سیاسی آن تعیین کرد. تغییر ماهیت یک حزب کمونیستی به تغییر ایدئولوژی و پذیرش نظریات رویزیونیستی که تبدیل به خطوط اساسی راهنمای حزب می‌شود، مربوط است و نه به تغییر رهبری،

برگذاری مرتب کنگره‌ها، تعداد و تعدد نشریات، تعداد اعضاء، تصاویر شهداء و قهرمانان کمونیست و نه رویونیست، تبلیغات دروغین و...

از این منظر، حزب توده کنونی، یک حزب رویونیستی و ضد انقلابی است و باید این حزب را افشاء کرد تا کمونیستهای واقعی ایران فریب صحنه سازیها و بازیگری های وی را نخورند و بتوانند بدون احساسات با ملاکهای کمونیستی دآوری کنند. این حزب کوچکترین قرابتی با مارکسیسم لنینیسم ندارد و رویونیسم دشمن کمونیسم است. تمام تحول شوروی سوسیالیستی به نابودی کامل آن شاهد این مدعاست. شناخت ماهیت این حزب در دوره دوم، دست نیروهای انقلابی را در راه تحقق سوسیالیسم و آزادی ایران باز می کند.

برگرفته از توفان شماره ۲۰۰ آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۵-نومبر سال ۲۰۱۶

ارگان مرکزی حزب کار ایران(توفان)